

## مرزها در خانواده

### از دیدگاه اسلام و مکتب ساخت‌نگر

محمدرضا سالاری‌فر

عضو پژوهشکده حوزه و دانشگاه

#### چکیده

این مقاله با بررسی مفهوم مرزها در خانواده و مفاهیم مرتبط با آن، از دیدگاه ساخت‌نگری مینوچین، به شرح انواع مرزها در خانواده و تأثیر آنها در کارایی و تعادل خانواده پرداخته است. سپس به درمان مشکلات خانواده از طریق مرزسازی اشاره می‌کند. در بخش دوم مقاله، حدود و مرزها در خانواده از دیدگاه اسلام بررسی شده است. این حدود در زمینه روابط جنسی، نوع تعامل زن و مرد، فضاهای روان‌شناختی در خانواده و نوع روابط خانواده با سایرین تبیین می‌شود. در پایان مقاله مرزهای خانواده در دو دیدگاه مقایسه شده است. هر دو دیدگاه بر لزوم دوری یا نزدیکی و بسته یا باز بودن برخی روابط اعضای خانواده و لزوم وجود فضای روان‌شناختی متمایز برای زیرمنظومه‌ها در خانواده تأکید دارند. در عین حال تعلیم اسلام مرزها در خانواده را با گستره بیشتری در نظر گرفته و بر بعد اخلاقی آن تأکید می‌کند. روش تحقیق در این مقاله در بخش اول توصیفی - تاریخی و در بخش دوم تحلیل محتوا براساس روشهای استنباطی در آیات قرآن و احادیث است.

**واژه‌های کلیدی: مرزهای خانواده، ساخت خانواده، خانواده درمانی، اسلام و خانواده.**

## مقدمه

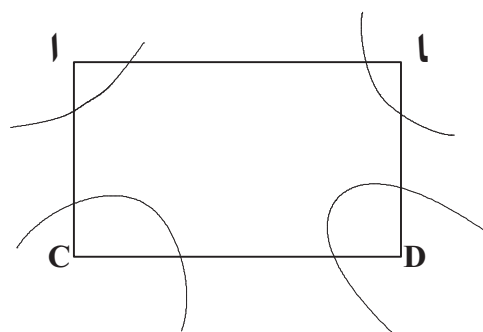
خانواده‌ها در عصر حاضر به علت پیچیدگیهای جوامع صنعتی، در انجام وظایف با مشکلات متعددی روبرو شده‌اند. از سوی دیگر، اکنون مشکلات و مسائل خانواده با روشهای تجربی و بالینی، بسیار بهتر از گذشته تحلیل و بررسی می‌شود و همین امر به سازگاری و بهبود کارآیی خانواده‌ها بسیار کمک می‌کند. از مسائل مهم خانواده، فاصله روان‌شناختی اعضا و محدوده عمل زیر منظومه‌ها در خانواده است، که از آن به مرز تعبیر می‌شود. در میان نظریه‌های خانواده‌درمانی، ساخت‌نگران به رهبری مینوچین، به تبیین مفهوم مرز و نقش آن در خانواده پرداخته‌اند. ما در این نوشته، پس از اشاره به این دیدگاه، مرزها را در خانواده از دیدگاه اسلام بررسی خواهیم کرد و در پایان به مقایسه این دو دیدگاه خواهیم پرداخت.

مرزها از دیدگاه مکتب ساخت‌نگر

مفاهیم مکتب ساخت‌نگر

اساس نگرش سیستمی به خانواده به این نکته بازمی‌گردد که واحد خانواده امری بیش از روان‌پویایی زیستی اعضای آن است. با این دید، خانواده موجودی است که اجزاء آن با هم تغییر می‌کند و در صورت انحراف برای حفظ تعادل خود، فعال می‌شود. ساخت خانواده مانند هر سیستم دیگر به نوع روابط اعضای آن مربوط می‌شود. روابط و تعاملهای تکراری، الگوهایی به وجود می‌آورند مبنی بر اینکه در خانواده، چگونه، چه وقت و با

چه کسی رابطه برقرار شود و همین الگوها زیر بنای سیستم را تشکیل می‌دهد (ثنایی، ۱۳۷۹). اعضای خانواده بر اساس این الگوها یا طرحهای ویژه که حاکم بر تعاملهای آنهاست با هم رابطه برقرار می‌کنند. این طرحها که معمولاً به طور صریح ابراز نشده، و حتی شناخته شده نیستند، تشکیل «کلی» را می‌دهند که همان «ساخت خانواده» است. بر اساس ساختی که در هر خانواده وجود دارد افراد در می‌یابند که برخی مناطق برای آنان مجاز، برخی عبور با احتیاط و برخی دارای علامت «توقف» یا «عبور ممنوع» است. اگر فرد از مرزهای غیر مجاز عبور کند، اعضای خانواده مکانیزمهایی را برای تنظیم و مهار در پیش خواهند گرفت و فرد، گاه تسلیم می‌شود و در مواقعی به چالش با اعضای خانواده بر می‌خیزد. از این رو اعضای خانواده کم و بیش از جغرافیای محدوده خود آگاهند. شکل ۱ میزان حضور هر یک از اعضا را در فضای روانی خانواده نشان می‌دهد. همان‌گونه که در شکل ۱ دیده می‌شود، افراد فقط بخشهای مشخصی از سرمایه‌گذاری روانی را به خانواده اختصاص داده‌اند. البته اهمیت خانواده برای افراد D و C بیشتر از افراد A و B است. گستره رفتار مجاز نیز توسط خانواده تعیین شده است. این که چه گستره‌ای از رفتار می‌تواند در برنامه خانواده جای گیرد، بستگی به توانایی خانواده در جذب و پذیرش انرژی و اطلاعات از خارج خانواده دارد. (Minuchin, 1981, p.15)



شکل ۱: میزان حضور اعضای مختلف در فضای روانی خانواده

سیستم خانواده دارای زیر منظومه‌های تمایز یافته‌ای است. هر فرد یک زیر منظومه است. زیر منظومه‌های دیگر عبارتند از: زن و شوهر، مجموعه خواهر و برادران، زنان خانواده، مردان خانواده (پدر بزرگ، پدر و پسر). بر اساس ملاک‌هایی مانند نسل، جنسیت، علاقه و وظیفه زیر منظومه‌ها تشکیل می‌شوند. معمولاً هر فرد عضو چند زیر منظومه است و در هر یک باید به نحوی خاص عمل کند. علاوه بر زیر منظومه‌ها، ساخت خانواده را می‌توان در مرزهای بین زیر منظومه‌ها، سلسله مراتب و اموری مانند اتحادها مشاهده کرد که به نقشه سازمانی خانواده ویژگی خاص می‌بخشد

(Goldenberg, 1980, p. 31).

مفهوم مرز در خانواده

مرز، حد یا حایل مفروضی است که در خدمت حفظ و پیشبرد، تمایز و یکپارچگی خانواده به عنوان یک کل، زیر منظومه‌های خانواده، و تک تک اعضای خانواده است. مرز، استعاره‌ای برای مراودات ویژه است که به طور منظم مابین منظومه‌ها در جریان است. مرزهای یک زیر منظومه، عبارت از مقرراتی است که معین می‌کند چه

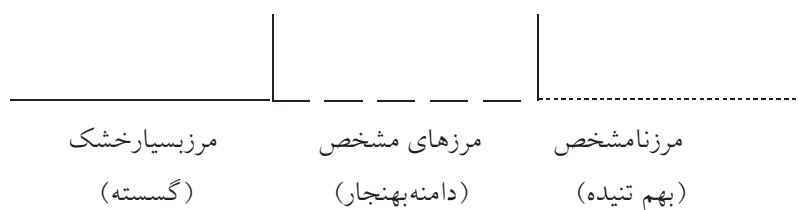
کسی و چگونه جزو این زیرمنظومه است. در نظام خانواده مرزها امری روان‌شناختی است و به اموری مانند روابط کلامی و غیر کلامی میان افراد و موضوعات عاطفی مربوط می‌شود. این که در یک رابطه تعاملی خاص در خانواده چه کسی حضور دارد و چه کسی بیرون از آن جای دارد، نشان‌دهنده مرزها در خانواده است (بارکر، ۱۳۷۵). مثلاً زیر منظومه والدینی وقتی مشخص می‌شود که مادری به پسر بزرگ خود می‌گوید: «تو نباید برای خواهر کوچکت زمانی برای تلویزیون دیدن معین کنی، من و پدرت در این مورد تصمیم‌گیری می‌کنیم». اگر زیر منظومه والدینی شامل فرزند والدگونه هم باشد، مرز را مادر با گفتن «من از همه شما می‌خواهم تا به خانه برمی‌گردم، سخنان برادر بزرگتر خود را شنوا باشید» مشخص می‌کند (Goldenberg, 1980, p. 38).

کارکرد مرز، متمایز کردن محدوده و وظایف زیرمنظومه‌هاست. هر زیر منظومه عملکردی ویژه دارد و از اعضای خود انتظارات بخصوص را طلب می‌کند. تکوین مهارت‌های بین فردی در منظومه‌ها به آزادی زیرمنظومه از مداخله سایر زیرمنظومه‌ها بستگی دارد. مثلاً قابلیت تطابق و سازگاری مکمل بین زن و شوهر با شرایط جدید، مستلزم آزادی از مداخله فامیل آنها، بچه‌ها و گاه کل «برون خانواده» است. رشد مهارت‌های مذاکره و حصول توافق با همسالان که در رابطه بین فرزندان یک خانواده حاصل می‌شود، مستلزم عدم مداخله والدین در زیرمنظومه بچه‌هاست (مینوچین، ۱۳۷۵).

در خانواده‌ها مرزهای بین زیرمنظومه‌ها، بین تک‌تک اعضای خانواده و بین کل خانواده و محیط برون، متنوع و متکثر است. براساس وضوح و ابهام، خشکی و انعطاف، به هم‌ریختگی یا انسجام و خصمانه یا دوستانه بودن، می‌توان مرزهای متنوعی را در خانواده‌ها مشاهده کرد. برای عملکرد مناسب اعضای خانواده، باید مرزهای زیرمنظومه‌ها واضح و مشخص باشد به طوری که برای اعضای هر زیرمنظومه امکان اجرای نقشها بدون مزاحمت فراهم باشد و در عین حال مرزها اجازه تماس اعضای زیرمنظومه را با سایرین بدهد. ترکیب زیرمنظومه‌هایی که حول وظایف خانواده تشکیل شده، به اندازه وضوح مرزهای زیرمنظومه اهمیت ندارد. مثلاً زیرمنظومه والدین اگر شامل مادر بزرگ یا یک «فرزند والدگونه» هم باشد، تا وقتی که خطوط مسئولیت و اقتدار به وضوح مشخص باشند، می‌تواند به خوبی عمل کند. وضوح مرزهای درون خانواده یک شاخص مفید برای ارزیابی عملکرد خانواده است. بعضی خانواده‌ها با سرمایه‌گذاری بر اعضای محدود خود به دنبال بنای جهان کوچکی برای خود هستند. در این حالت میزان توجه و ارتباط اعضای خانواده با هم زیاد شده در نتیجه فاصله‌ها کاهش می‌یابد و مرزها و تمایز در نظام خانواده مغشوش می‌شود (مینوچین، ۱۳۷۵).

از حیث انعطاف و سختی، در برخی خانواده‌ها مرزها، بیش از حد خشک و انعطاف‌ناپذیر می‌شود، به طوری که ارتباط بین زیرمنظومه‌ها دشوار می‌گردد و نقش حمایتی خانواده نیز ناکارآمد می‌شود. این دو نهایت را «بهم‌تنیدگی» و «گسستگی» می‌خوانند. تمام خانواده‌ها

در یک نقطه از این امتداد قرار می‌گیرند (شکل ۲).



(شکل ۲): سه گونه مرز در خانواده

در بیشتر خانواده‌ها، هم مرزهای نامشخص (به هم تنیده) و هم مرزهای بسیار خشک دیده می‌شود. ممکن است تا وقتی بچه‌ها کوچک هستند زیر منظومه مادر - کودکان حالت بهم تنیده داشته باشد، ولی پدر یک موضع گسسته اختیار کند و حتی در مواردی زیر منظومه فوق، پدر را در حاشیه قرار دهد. با بزرگتر شدن بچه‌ها، ممکن است پدر به آنها بیشتر مشغول شود. در مرحله بعد زیر منظومه والدینی به فرزندان استقلال بیشتری می‌دهد و در نهایت بچه‌ها به تدریج از خانواده جدا می‌شوند (مینوچین، ۱۳۷۵).

#### مشکلات مرزی

بسیاری از مسائل خانواده‌ها به مشکلات مرزهای بین زیرمنظومه‌ها باز می‌گردد، قبلاً به دو نهایت در مرزهای بهم تنیده (مرز نامشخص) و گسسته (مرز بسیار خشک) اشاره شد. این دو نهایت دال بر زمینه‌های احتمالی آسیبند. مثلاً زیرمنظومه بهم تنیده مادر و بچه‌ها ممکن است پدر را منزوی کرده و در نهایت منجر به گسستگی او

گردد. از عوارض نامطلوب بهم تنیدگی مرزها، ممانعت از استقلال بچه‌ها می‌باشد. زیر منظومه یا خانواده بهم تنیده ممکن است اعضای خود را فلج کند، زیرا احساس تعلق شدید مستلزم از دست دادن بخش عمده‌ای از استقلال فردی است. عدم تمایز زیرمنظومه‌ها، کاوش مستقلانه و احاطه بر مشکلات را تضعیف می‌کند و در نتیجه مهارت‌های شناختی و عاطفی خصوصاً در بچه‌ها دچار وقفه می‌شود. اعضای زیرمنظومه‌ها یا خانواده‌های گسسته، ممکن است مستقلانه عمل کنند، ولی از کمبود حس وفاداری و تعلق و قابلیت وابستگی متقابل و طلب حمایت مورد نیاز رنج می‌برند (مینوچین، ۱۳۷۵).

هر چند یک خانواده بسیار گسسته می‌تواند دامنه گسترده‌ای از تفاوت‌های فردی اعضای خود را تحمل کند، لیکن استرس‌های تک‌تک اعضای خانواده نمی‌تواند از مرزهای بسیار خشک و سخت عبور کند و فقط استرس‌های فردی بسیار شدید می‌تواند سیستم حمایتی خانواده را فعال کند. در قطب مقابل، یعنی بهم تنیدگی، عکس این امر صادق است، یعنی رفتار یک عضو خانواده بلافاصله روی دیگران اثر می‌گذارد و استرس یکی از افراد از مرزها عبور می‌کند و به سرعت در سایر زیرمنظومه‌ها منعکس می‌شود. این دو نوع رابطه هنگام برانگیخته شدن مکانیسم‌های تطابقی باعث مشکلات خانوادگی می‌شود. خانواده بهم تنیده نسبت به هر تغییری از وضع مانوس و متداول به شدت و سرعت واکنش نشان می‌دهند. خانواده گسسته هنگام ضرورت واکنش هم، میلی به ابراز آن ندارد. گاهی یک خانواده بهم تنیده، از گریه



فرزندشان به شدت ناراحت می‌شوند ولی در مواردی والدین یک خانواده گسسته، شاید نسبت به نفرت فرزند خود از مدرسه هم واکنش نشان ندهند. علاوه بر عوارض این دو نوع مرز، گاهی خانواده‌های دارای مرزهای واضح و در عین حال منعطف، نیز مشکلات مرزی دارند که از انتقال استرس‌های یک منظومه به سایر زیرمنظومه ناشی شده است.

#### مرزسازی در درمان

در اصلاح مشکلات مرزی، شیوه‌هایی تحت عنوان فنون مرزسازی به کار گرفته می‌شود. برای حفظ استقلال فردی اعضای خانواده و در عین حال احساس پیوستگی آنها به خانواده باید بر مرزهای فردی و مرزهای منظومه‌ها تأکید کرد. می‌توان با قواعد ساده‌ای استقلال فردی اعضا را حفظ و تقویت کرد. مثلاً کسی نباید از طرف دیگری صحبت کند یا در حضور او، ترجمان افکار و احساسات او شود یا فردی، نقش حافظه را برای کل خانواده ایفا کند. بچه‌ها باید در خانواده از هم متمایز باشند و برحسب سن و موقعیت خود دارای حقوق و مزایای ویژه‌ای باشند. مرزهای زیر منظومه‌ها باید به حد کافی مستحکم باشند. زیر منظومه زن و شوهری را باید از دخالت بچه‌ها یا اعضای بزرگسال خانواده حفظ کرد. نامشخص بودن مرز زیر منظومه زن و شوهری یکی از علل متداول اختلال در الگوهای مراوده‌ای است. مثلاً مسائل خصوصی زن و شوهر باید در محدوده خود آنها باقی بماند و زمانی در هر روز برای استمرار روابط خصوصی آنها به طور مجزا از بچه‌ها و سایر اعضای

### خانواده قرار داده شود.

مینوچین بر فنون مرزسازی تأکید دارد. این فنون، نفوذپذیری و نحوه تمایز منظومه‌ها را تنظیم می‌کند. فنون مرزسازی در دو زمینه فاصله روان‌شناختی بین اعضای خانواده و مدت زمان تعامل درون منظومه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. حرکتهای فضایی در همه دنیا، نشانگر رویدادهای روان‌شناختی یا تعاملهای عاطفی میان افراد است. اعضای خانواده، حتی کودکان در تمام فرهنگها، دوری و نزدیکی فضایی را نمایانگر نحوه روابط عاطفی افراد می‌دانند. تغییر روابط فضایی اعضای خانواده در جلسه درمان نوعی فن مرزسازی است که از مزیت غیر کلامی بودن، وضوح و عمق برخوردار است. درمانگر می‌تواند بوسیله حرکتهای فضایی، نزدیکی میان اعضای خانواده را تغییر دهد. استفاده از دستها یا همه بدن با حائل شدن در برابر تماس چشمی دو فرد و جابجا کردن صندلی‌ها نمونه‌ای از این موارد است. مثلاً اگر کودک بین زن و شوهر نشسته است، از او بخواهد صندلیش را با یکی از والدین عوض کند، تا آنها به طور مستقیم (نه بواسطه کودک) با هم صحبت کنند. درمانگر می‌تواند قاعده‌ای را در ابتدای جلسه وضع کند و بگوید هیچ فردی نباید به جای دیگری صحبت کند یا برداشت و احساس او را بیان کند. افراد فقط مسائل و محفوظات خویش را بیان کنند. گستره این قاعده به درمانگر اجازه می‌دهد که مرزها را تقویت کرده و مداخله اعضای خانواده را به فضای روان‌شناختی و حافظه یکدیگر منع کند. به این طریق می‌توان مزاحمتها،

مداخله‌ها و ائتلافها را مانع شد (Minuchin, 1981, p. 146-158).

گسترده و طولانی‌تر کردن تعامل اعضای خانواده که راهی برای عمق بخشیدن به آن است، به ایجاد مرز بین زیرمنظومه‌ها و تمایز بیشتر آنها کمک می‌کند. مثلاً برای تأثیرگذاری بیشتر مادر بر دختر خود، درمانگر تعامل و گفتگوی آنها را در جلسه قطع نمی‌کند و زمان زیادی را به آن اختصاص می‌دهد. در اینجا وقوع تعامل بین مادر و دختر بیش از محتوای آن اهمیت دارد. درمانگر جهت تقویت این زیرمنظومه (مادر و دختر) و تمایز بیشتر آن، برای آنها تکالیفی را نیز در بیرون از جلسه درمان معین می‌کند. مثال دیگر خانواده‌ای است که در آن مادر و پسر رابطه‌ای در هم تنیده دارند و پدر در حاشیه قرار گرفته است. درمانگر به پدر توصیه می‌کند که پسرش را در تکالیف مدرسه یاری دهد، یا هنگامی که بدرفتاری می‌کند او را مهار کند، یا به او فوتبال آموزش دهد. در این رابطه می‌تواند به پدر بگوید «چون تو مرد هستی و پسر نیز در آینده می‌خواهد به عنوان یک مرد پرورش پیدا کند، لازم است در کارهای مختلف به او کمک کنی تا همسرت یکی دو هفته استراحت کند». گاهی نیز با دادن تکلیف متناقض می‌توان مرزهای بسیار در هم تنیده را از هم متمایز کرد. برای مثال به مادری که شدیداً حمایتگر است گفته می‌شود که به بچه‌ها بیشتر توجه کند، یا به همسری که زیاد نگران شوهر خود است می‌گوید هر جا که می‌رود با او در تماس باشد. در همه این موارد مدت زمان تعامل بین دو فرد بیشتر می‌شود و به تبع آن مرزها نیز تقویت می‌شود، با این تفاوت که در مورد اخیر هدف از

طولانی‌تر کردن مدت تعامل، ایجاد تعارض در اثر نزدیکی بیشتر زن و مرد است. این تعارض موجب می‌شود فاصله زن و مرد تا حد بهنجار کمتر گردد (Minuchin, 1981, p.154).

مرزها در خانواده از دیدگاه اسلام

تعالیم اسلام راجع به نحوه روابط اعضای خانواده با یکدیگر و افراد بیرون خانواده، حدود و مرزهایی را معین کرده است هر چه این حدود بیشتر رعایت شود، کارایی اعضای خانواده و روابط آنها بهتر می‌شود و خانواده زمینه رشد و تعالی آنها را فراهم خواهد نمود. این حدود به اموری مانند: مرزهای درون خانواده، مرزهای لازم برای کل خانواده و خارج آن از جمله روابط جنسی و روابط زن و مرد نامحرم مربوط می‌شود.

مرزهای درون خانواده از دیدگاه اسلام

تعالیم اسلام وجود حدود و مرزهایی را بین زیرمنظومه‌ها و حتی افراد درون خانواده ضروری می‌داند. زیر منظومه زن و شوهری باید در خانه، اتاقی جدا داشته باشند و سایر اعضای خانواده در ساعات معینی از شبانه روز بدون اجازه وارد این حریم نشوند. در این رابطه در قرآن آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بردگان شما و کودکان شما که به حد بلوغ نرسیده‌اند، سه بار در شبانه‌روز باید از شما کسب اجازه کنند، پس از نماز صبح و نیمروز که لباسهای خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشاء. این سه وقت خصوصی برای شماست، در غیر این سه وقت گناهی بر شما و بر آنان نیست. بر گرد یکدیگر بچرخید و با هم معاشرت کنید. و چون کودکان شما به سن بلوغ رسیدند،

آنها هم باید از شما کسب اجازه کنند...» (سوره نور، آیه ۵۸). براساس آیات مذکور و روایات معصومین (ع) قرار دادن زمانی برای روابط خصوصی زیرمنظومه زن و شوهری از نظر تعالیم اسلام به رسمیت شناخته شده است (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰).

لزوم این فضای روانی برای حل مشکلات شخصی زن و شوهر و حصول حمایت عاطفی آنها از یکدیگر و برون‌ریزی عاطفی امری ضروری است که همه اعضای خانواده از کوچک و بزرگ باید آن را به رسمیت شناخته و در رفتار به آن پایبند باشند. علاوه بر زن و شوهر سایر منظومه‌ها نیز به فضای اختصاصی نیاز دارند که باید حتی والدین بدون اجازه وارد محدوده آنها نشوند. هر چه کودکان به دوران بلوغ و نوجوانی نزدیکتر می‌شوند، به فضای خصوصی نیازمندترند. هر چند این نیاز، اختصاصی به دختر و پسر ندارد، ولی به نظر می‌رسد قرار دادن فضای خصوصی برای دختران ضرورت بیشتری دارد زیرا به علت ویژگیهای خاص جنس زن، فرصت فراهم آمدن فضای خصوصی برای دختران در بیرون خانواده کمتر است. برای تأمین این شرایط پدر و برادران نباید بدون اجازه وارد این حریم شوند (همان، ص ۱۵۸).

از نظر تعالیم اسلام، بین فرزندان دختر و پسر نیز باید حدود و مرزهایی برقرار شود. زیرمنظومه دختر و پسران هر یک به فضای روانی اختصاصی نیازمندند. لازم است محیط خواب و استراحت والدین و فرزندان به‌علاوه دختر و پسر و حتی بین برادران مجزا باشد، به طوری که والدین اتاق جدا، دختران و پسران نیز اتاق جدا داشته باشند و

رختخواب تک تک فرزندان نیز از هم مجزا باشد (همان، ص ۱۷۱). بعلاوه، نوع مراودات و تماسهای خواهر و برادر در سن نوجوانی باید دارای حدود و قیودی باشد (همان، ص ۱۵۲)، تا زمینه هر گونه انحراف رفتاری از بین برود.

رازداری در خانواده از پایه‌های اعتماد متقابل و بخش دیگری از مرزهای درون خانواده است. در تعالیم اسلام رازداری دارای اهمیت بسیار و از شروط و لوازم ایمان شمرده شده است. به افراد توصیه می‌شود که این سنت خداوند را برای کمال ایمان در خود ایجاد کنند (بحار، ج ۷۵، ص ۶۸). در خانواده رازداری از زمینه‌های سلامت و تعادل خانواده محسوب می‌شود و باز بودن خانواده و انتقال آسان اطلاعات از آن پذیرفته نیست. حفظ اسرار در خانواده در جنبه‌های مختلف حیاتی است. مسائل مربوط به روابط خصوصی زن و شوهر باید در محدوده منظومه زن و شوهری باقی بماند (وسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۴). قرآن زنانی را که حافظ اسرار شوهران هستند مورد تمجید قرار داده و می‌گوید: «زنان درستکار... اسرار شوهران خود را حفظ می‌کنند» (نساء، آیه ۳۴). در قرآن به حادثه‌ای اشاره شده است که دو تن از همسران پیامبر (ص) اقدام به افشاء راز خصوصی می‌کنند، خداوند این رفتار را انحراف اعلام نموده و به این دو زن توصیه می‌کند که از این رفتار ناشایست توبه کنند (سوره تحریم، آیه ۴). مردان نیز نباید مسائل مربوط به روابط خصوصی خود را به سایرین انتقال دهند. بخش دیگر از اسرار خانواده مربوط به عیوب و نقائص زن و شوهر و فرزندان است. این اسرار باید پوشیده بماند خصوصاً در مورد زن و مرد که باید لباس یکدیگر و به عبارتی پوشاننده عیوب هم باشند. در

این رابطه تعالیم اسلام بیان عیوب و نقائص دیگران را به کلی نامناسب اعلام کرده، مگر در مواردی که به منظور اصلاح آنها باشد و اصلاح این عیب بدون افشاء آن ممکن نباشد. این رفتار ناشایست که در اسلام با عنوان غیبت آمده است، به خوردن گوشت برادر مؤمن تشبیه شده است (سوره حجرات، آیه ۱۲). محیط خانواده به دلیل فضای خصوصی و مهار کمتر افراد در آن، زمینه مساعدی برای بروز برخی نابهنجاری‌هاست، ولی انتقال این امور به خارج خانواده غیبت محسوب شده و ممنوع است. علاوه بر اینکه نباید اسرار و عیوب خانواده به دیگران منتقل شود، خود محیط خانواده نیز باید عاری از بیان و شنیدن عیوب و اسرار دیگران باشد. از جنبه‌های دیگر حفظ اسرار در خانواده حتی عدم افشاء برخی ویژگیها و مزایای مثبت افراد به بیرون خانواده و حتی در مواردی به اعضای دیگر خانواده را شامل می‌شود. تعالیم اسلام توصیه اکیدی بر پوشاندن اسرار دارد و آشکار نمودن رازها را مذمت می‌کند (بحار، ج ۷۵). اگر اظهار ویژگی مثبت یکی از اعضای خانواده موجب بروز رفتار یا عواطف نابهنجاری مانند حسد در برخی دیگر شود، در این صورت نیز رازداری لازم است. در رابطه بین حضرت یوسف و برادرانشان این واقعیت روشن می‌شود (سوره یوسف، آیه ۵).

مرز خانواده و اجتماع

حدود دیگری برای اعضای خانواده و حریم منزل معین شده که از جمله آنها خروج زن از خانه با اجازه شوهر است. دیگر اینکه پدر تا بلوغ بر فرزندان ولایت دارد و باید



ورود و خروج فرزندان با رضایت او باشد. البته مرد نیز باید مراقب ورود افرادی باشد که از لحاظ اخلاقی قابل اعتماد نیستند (نهج البلاغه، نامه ۳۹). به نظر می‌رسد اگر همسر خانواده در حد نیاز اجتماعی از خانه خارج شود و به مسائل خانواده اولویت بدهد در رشد عاطفی و معنوی همه خانواده سرمایه‌گذاری بیشتری خواهد نمود. البته همه حدود و قیود باید براساس منطق و متعادل باشد و هر گونه افراط در اعمال حدود از سوی مرد در خانواده نه تنها به تعادل روحی و روانی اعضای خانواده کمک نخواهد کرد بلکه آسیبهای جدی به آنان وارد می‌کند و موجب رفتار نابهنجار و عدم سلامت روانی آنها می‌شود (وسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۵).

تعالیم اسلام برای مکانی که خانواده در آن زندگی می‌کند نیز حد و مرزی قرار داده است، به طوری که این مرز کاملاً باز نیست و هر فرد که می‌خواهد وارد آن شود باید با اجازه و هماهنگی اهل آن خانه باشد. در قرآن صریحاً این قانون مورد تأکید قرار گرفته است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه شما نیست وارد نشوید، تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است... و اگر به شما گفته شد «بازگردید» برگردید این برای شما پاکیزه‌تر است...» (نور، آیه ۲۷ و ۲۸).

در این آیه از کلمه انس استفاده شده که مقابل ترس و وحشت است و منظور آن است که نباید سرزده وارد خانه شد و موجبات ترس و ناراحتی اهل آن خانه را فراهم نمود. جالب توجه آن است که حتی ورود به خانه فرزندان یا پدر و مادر هم طبق گفته رسول خدا (ص) باید با اجازه



باشد (مطهری، ۱۳۶۸). نکته دیگر در آیه کلمه «ازکی» است که می‌توان از آن برداشت کرد که برای حفظ سلامتی روانی و اخلاقی اهل خانه و کسانی که به آن وارد می‌شوند، این قانون قرار داده شده است. این آیه که به مرز کل خانه اشاره دارد، به نکات روان‌شناختی‌ای اشاره دارد که یکی از آنها، لزوم اطمینان از آمادگی روانی اهل خانه برای ورود افراد غیرخانواده است. در صورت عدم آمادگی افراد، اضطراب اهل خانه امری عادی است. بعلاوه همین عدم آمادگی زمینه‌های افشای اسرار خانواده را برای سایرین فراهم می‌کند. به همین جهت برای آرامش روانی خانواده و حفظ مسائل درونی آن، چنین مرزی قرار داده شده است.

#### مرزها در روابط جنسی

از اهداف مهم ازدواج ارضای نیازهای جنسی زن و مرد به طور مناسب می‌باشد. از مهمترین رازهای موفقیت در زندگی گام‌برداری در عالم اتحاد و هماهنگی جنسی است (قائمی، ۱۳۶۸). تعالیم اسلام در عین به رسمیت شناختن لذت‌های جنسی، برای آن حدودی معین کرده است. حدود لذت‌های جنسی استفاده از همسر قانونی است و خروج از این محدوده تعدی محسوب می‌شود، چنانکه در قرآن آمده است که: «مؤمنان دامن خود را از آلوده شدن به بی‌عفتی حفظ می‌کنند و تنها در بهره‌گیری از همسران مجازشان، ملامت نمی‌شوند و هر که غیر از این طلب کند، تجاوزگر است» (مؤمنون، آیه ۵ تا ۷). بهره‌برداری جنسی غیرمشروع که در متون اسلامی از آن به زنا تعبیر می‌شود در اسلام بسیار مذمت شده به طوری که در قرآن

آمده است: «نزدیک زنا نشوید که کار بسیار زشت و بدراهی است» (اسراء آیه ۳۲). بعلاوه مجازاتهای سنگین و ملامتهای شدیدی در مورد آن بیان شده است (نور آیه ۲، نساء آیه ۱۵ و ۱۶، بحار ج ۷۶، ص ۱۷-۴۰).

روابط جنسی غیرقانونی پیامدهای نامطلوبی برای نهاد خانواده و کل اجتماع و فرد دارد و به شخصیت فرد، خانواده او و فرزندان آسیبهای شدیدی وارد می‌کند. زنا باعث می‌شود که ایمان فرد متزلزل شود (بحار، ج ۷۶، ص ۲۶) و احساس گناه فرد، به عزت نفس او آسیبی وارد می‌کند که جبران آن مستلزم صرف زمان طولانی است (بحار، ج ۷۶، ص ۲۷). در نظام خانواده، تعدی هر یک از زن و مرد از محدوده روابط جنسی مشروع، به محبت و مودت متقابل آسیب جدی وارد می‌کند و زمینه را برای خیانت و تعدی طرف مقابل فراهم می‌کند (بحار، ج ۷۶، ص ۲۷). ارتکاب زنا تأثیرات روان‌شناختی عمیقی بر فرزندان خانواده دارد که کمترین آن یادگیری رفتار نابهنجار پدر یا مادر است و به همین جهت زمینه بروز این رفتار در افرادی که والدینشان دست به آن زده‌اند بیشتر است (همان، ص ۲۷). بر اساس احادیث معصومین (ع) زنا آثاری همچون از بین رفتن نور چهره، کوتاه شدن عمر، بروز فقر و تنگدستی در دنیا، خشم و غضب خداوند، نتیجه بد در حسابرسی اعمال و جاودانگی در آتش جهنم را به همراه دارد (همان، ص ۲۲). از مشکلات خانوادگی زنا، به هم ریختگی نسبت فرزندان (همان ص ۲۴ و ص ۲۸) و معلوم نبودن پدر آنهاست. فرزند پدید آمده از زنا، در محیطی فارغ از عواطف ضروری زندگی از جمله عواطف مهم پدری، رشد می‌کند و انگیزه انجام زنا و برخی گناهان در

او بیشتر است (همان، ص ۱۱). اولیاء دین در باب بی‌بندوباری روابط جنسی از واقعیتی خبر دادند که شاید بتوان آن را به هم ریختگی و ویرانی ساخت خانواده نامید. در این رابطه رسول خدا (ص) فرمود زنا وارد خانه‌ای نمی‌شود مگر آن که آن را ویران می‌سازد (همان، ص ۱۹). به منظور حفظ حریم خانواده، بهره‌برداری جنسی نامشروع در حد جزیی نیز ممنوع اعلام شده که شامل هرگونه روابط کلامی و غیرکلامی است که ماهیت جنسی داشته باشد. برای نمونه نگاهی که به منظور لذت جنسی باشد، زنای چشم و بهره‌برداری جنسی نامشروع هر عضو را زنای آن عضو شمرده‌اند (وسائل، ج ۱۴، ص ۱۳۸).

این گونه رفتارها از دو جهت آسیب‌زا است، نخست ممکن است مقدمه و زمینه‌ای برای عمل زنا فراهم کند و در مرتبه دوم خود این رفتار خروج از محدوده شرعی روابط جنسی است و همین امر ممکن است به روابط عاطفی زن و شوهر و مودت و محبت بین آنها آسیب رساند و زمینه اختلافات را فراهم نماید. به همین سبب تأمین روابط عاطفی عمیق و صمیمی بین زن و شوهر و نیل به یگانگی در کانون خانواده، فقط در صورت کنترل روابط جنسی زن و شوهر در محدوده خانواده امکان‌پذیر است (مطهری، ۱۳۶۸). تعالیم اسلام برای حفظ حریم زن و شوهر، پا را از این فراتر گذاشته و میل و اندیشه زنا را هم نادرست می‌داند (همان، ص ۲۴۰) و از افراد می‌خواهد هنگام برقراری روابط جنسی، فقط به فکر همسر خود باشند و با توجه و میل به فرد دیگری به این کار اقدام ننمایند و از بروز پیامدهای نابهنجار بعدی در فرزندان جلوگیری

## کنند (همان، ص ۱۸۸).

پوشش شرعی و حدود روابط زن و مرد نامحرم در اسلام  
 تعالیم اسلام برای حفظ عفت اشخاص و سلامت خانواده،  
 افرادی را نسبت به هم محرم اعلام کرده که ازدواج با آنها  
 حرام است. روابط مرد و زنی که نسبت به هم نامحرم  
 هستند، یعنی امکان ازدواج شرعی بین آنها وجود دارد،  
 دارای مرزها و قیودی است. زنان باید در مقابل افراد  
 نامحرم پوشش شرعی خود را حفظ کنند. حجاب زنان از  
 مسائل مهم در سلامت و کارآیی خانواده‌هاست و در آیات  
 قرآن بر آن تأکید شده است: «بگو به زنان مؤمن، چشمهای  
 خود را از نگاه هوس‌آلود فرو گیرند و دامان خویش را  
 حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است  
 آشکار نکنند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه افکنند  
 (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را  
 آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان (و بقیه کسانی که  
 به آنها محرم هستند)» (سوره نور، آیه ۳۱). «ای پیامبر به  
 همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو: باروسری‌های  
 بلند خود را بیپوشانند این بهتر است تا اینکه شناخته  
 شوند و مورد آزار قرار گیرند» (سوره احزاب، آیه ۵۹).  
 براساس تعالیم اسلام لازم است زنان غیر از صورت و  
 دستها از مچ تا انگشتان، همه بدن خود را بیپوشانند. این  
 حکم اسلام دارای آثار اجتماعی و فردی متعددی است.  
 روابط صمیمی زن و شوهر و تحکیم آن، از اهداف قانون  
 حجاب است. حجاب موجب می‌شود لذت و بهره‌برداری  
 جنسی به محیط خانوادگی و در محدوده ازدواج منحصر  
 شود. این امر با تحکیم پیوند زن و شوهر، موجب اتصال

بیشتر آنها به هم می‌شود. رعایت حجاب موجب می‌شود که همسر قانونی فرد، در نزد او، تنها عامل رضای نیازهای جنسی او تلقی شود.

به نظر می‌رسد لزوم پوشش زیبایی‌های ظاهری زنان طبق محدوده‌ای که قوانین اسلام تعیین کرده، هم کارکردهای فردی دارد و هم به حفظ خانواده و استحکام بنیان آن کمک می‌کند. طبیعت بدن زن به گونه‌ای است که زیبایی و جذابیت خاصی دارد و به همین جهت، اکنون در غرب از آن به عنوان یک ابزار تبلیغاتی بسیار مؤثر و شایع استفاده می‌شود. در صورتی که زنان به پوشش این زیبایی‌ها اقدام نکنند، در محیط جامعه مورد آزار و تعدی دیگران قرار می‌گیرند. همچنین وجود این آزارها در محیط شغلی، نه تنها کارایی آنان را مختل می‌کند، بلکه تأثیر روانی ناخوشایندی نیز بر آنها دارد (Baron, 1997). عدم رعایت پوشش شرعی، خواه ناخواه موجب بروز جذابیت‌هایی بین زن و مرد نامحرم در بیرون از محیط خانواده می‌شود. در این وضعیت، بروز علاقه مرد به زنهای دیگر و کم شدن علاقه به همسر خود و نیز دل‌بستگی عاطفی زن به مردهای دیگر، امری اجتناب‌ناپذیر است. گاه این امر به جدایی عاطفی زن و شوهر و بعضاً طلاق منجر می‌شود. رعایت پوشش شرعی تا حدی مانع آزار و تعدی نسبت به زنان می‌شود و به انحصار روابط عاطفی زن و مرد به محدوده خانواده کمک می‌کند.

در همین راستا، تعالیم اسلامی برای نگاهها و طرز صحبت مرد و زن، مرزها و حدودی قرار داده است. نگاه خیره و تند زن به مرد و بر عکس، (سوره نور، آیه ۳۰ و

(۳۱) نامناسب و عاملی برای لغزش (وسائل، ج ۱۴، ص ۱۳۹ و ۱۴۰) طرفین اعلام شده است. به تعبیر شعرای مسلمان، چشم، دریچه‌ای به سوی دل یا حالات عاطفی و انگیزشی انسان است و تمایل به چیزی که فرد آن را زیبا و خوشایند می‌بیند، امری طبیعی است. به همین جهت، در تعالیم اسلام خطر نگاه به نامحرم گوشزد شده و تشویق‌هایی برای حفظ چشم از نگاه به نامحرم مقرر شده است. روابط کلامی نیز زمینه‌ای برای برقراری روابط عاطفی عمیق‌تر است و لذا تعالیم اسلام به زنان توصیه می‌کند که با صوت نازک و تحریک‌آمیز سخن نگویند (سوره احزاب، آیه ۳۲) و در حد لزوم عرفی با مردان نامحرم صحبت کنند (وسائل، ج ۱۴، ص ۱۴۳). مردان نیز از صحبت‌های تحریک‌آمیز و شوخی با زنان نامحرم منع شده‌اند. حریم خانواده و محدوده منزل باید در انحصار زن و شوهر باشد و مرد و زن نامحرم بدون اجازه وارد آن نشوند و تا حد مقدور روابط با نامحرم با حدود و قیودی برقرار شود (سوره احزاب، آیه ۵۳). خلوت کردن زن و مرد نامحرم در یک محدوده، عامل تحریکی بسیار شدیدی است که کمتر زن و مردی می‌توانند در چنین وضعیتی انگیزه‌ها و امیال جنسی خود را کنترل کنند. به همین جهت این امر نامناسب و خطرآفرین اعلام شده است (وسائل، ج ۱۴، ص ۱۳۴). حفظ حریم منزل و رعایت حدود شرعی روابط بین زن و مرد در استمرار روابط

۱. از جمله آنها شعر بابا طاهر است:  
ز دست دیده و دل هر دو

فـریاد

هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

رضایت بخش آنها نقش حیاتی دارد و عدم رعایت این حریم از نامحرمان و اختلاط زن و مرد عامل مهمی در بروز روابط غیرمجاز است. قرآن در داستان حضرت یوسف به این واقعیت روان‌شناختی تصریح می‌کند:

«آن زن، که یوسف در خانه او بود. از یوسف تمنای بهره‌برداری جنسی کرد... آن زن تصمیم و آهنگ بهره‌برداری از یوسف نمود و یوسف نیز اگر برهان پروردگار را نمی‌دید، قصد و آهنگ آن زن می‌نمود» (سوره یوسف، آیه ۲۳ و ۲۴). آیه قرآن مشترک بودن محل زندگی حضرت یوسف و زلیخا را عامل، انحراف این زن اعلام کرده است.

علاوه بر نگاه، سایر روابط غیرکلامی بین زن و مرد نامحرم، خطرآفرین و ممنوع اعلام شده است. مواردی از قبیل دست دادن و هرگونه تماس بدنی مرد و زن نامحرم (وسائل، ج ۱۴، ص ۱۴۲)، حتی نشستن مرد در جایی که به تازگی زن نامحرم از آنجا برخاسته است، نامناسب اعلام شده است (همان، ص ۱۸۵). همه این حدود و مرزها برای حفظ عفت و اخلاق عمومی زنان و مردان جامعه، تعمیق و استحکام روابط خانوادگی، محبت بیشتر و کارکرد مناسبتر و در نتیجه تعالی بیشتر خانواده‌ها قرار داده شده است.

مقایسه مرزها در دو دیدگاه

با مقایسه دو دیدگاه روشن می‌شود که هر دو تقریباً مفهوم مرز را به معنای مشابهی در نظر گرفته‌اند که به محدوده رفتار و نحوه برقراری روابط اعضای خانواده باز می‌گردد. مفهوم فاصله روان‌شناختی بین افراد که



بخشی از مفهوم مرز است، در هر دو دیدگاه به کار رفته است و برای دوری و نزدیکی اعضای خانواده نیز در نظر گرفته‌اند. از جمله این که زن و شوهر به همدیگر نزدیکترند تا پدر و پسر. همچنین هر دو، مرزهای بسیار باز و منعطف یا بسته و خشک را برای خانواده نامناسب می‌دانند. در تعالیم اسلام غیرت افراطی مرد که به تحدید غیرمنطقی روابط اعضای خانواده بازمی‌گردد، عامل اختلال سلامت روانی افراد تلقی شده است.

البته مرزها در خانواده از دیدگاه اسلام با تأکید و گستره بیشتری مورد توجه قرار گرفته است. هر چند توسعه مرزها ممکن است در بدو امر، نوعی محدودیت برای افراد محسوب شود ولی تبیین نقش مهم مرزها در سلامت روانی اعضای خانواده، کارآمدی بیشتر نظام خانواده و جلوگیری از آسیبها و رفتارهای نابهنجار در خانواده، می‌تواند تلقی افراد را نسبت به مرزها در اسلام تغییر دهد. بعلاوه تماس و مشاهده خانواده‌هایی که به این مرزها پایبند هستند، نشان می‌دهد که آنها در عین رعایت مرزها، از مواهب مختلف زندگی استفاده می‌کنند و حتی رضایتمندی بیشتری از زندگی دارند. برخی مرزها در اسلام ماهیت اخلاقی دارد. یکی از اهداف مهم ازدواج در اسلام حفظ عفت و سلامت اخلاقی افراد است و برخی مرزها در خانواده به منظور تأمین این هدف است. همچنین تعالیم اسلام در خانواده اهداف والاتری در نظر دارد که به رابطه با خداوند و سعادت زندگی اخروی فرد مربوط می‌شود و رعایت برخی مرزها دارای آثار معنوی بسیاری نیز می‌باشد. در اسلام بر روابط خویشاوندی بسیار تأکید شده است و خانواده پدری زن و شوهر



جزیی از خانواده محسوب می‌شوند. از این رو مرز خانواده با پدر بزرگ و مادر بزرگ دارای انعطاف بیشتری است و بر روابط عاطفی با آنها تأکید شده است. ویژگی این مرز به گونه‌ای است که در موارد لزوم پدر بزرگ یا مادر بزرگ می‌توانند در مسائل خانواده وارد شده و اظهار نظر نمایند و در یک چارچوب معین، افراد نیز ملزم به همراهی با آنها هستند.

مرزهای خانواده از دیدگاه اسلام، رامی‌توان به صورت زیر بیان کرد.

۱. بین کل خانواده و بیرون آن مرزی وجود دارد و محیط خانواده کاملاً باز یا کاملاً بسته نیست. از جمله آثار این مرز ورود کنترل شده افراد به محیط خانواده و ورود نامحرمان با محدودیت بیشتر است.

۲. مرز بین خانواده و خویشاوندان در رتبه بعدی دارای انعطاف بیشتری است بویژه والدین زن و شوهر در مواردی مجاز به ورود در مسائل خانواده هستند.

۳. بین والدین (زن و شوهر) و فرزندان مرز منعطفی وجود دارد که از آثار آن برخورداری زن و شوهر از فضای فیزیکی و روانی ویژه است که از جمله نتایج آن لزوم اجازه اعضای خانواده در ساعات معینی از شبانه روز برای ورود به این فضا است.

۴. مرز بین فرزندان دختر و پسر در عین بازبودن دارای محدودیتهایی است که از جمله آنها لزوم اختصاص فضای فیزیکی خاص در خانه برای دختران و پسرانست.

۵. بین دو فرزند پسر یا دو فرزند دختر نیز مرزی با محدودیتهای کمتر از مرز بین دختران و پسران است و از آثار آن لزوم بستر خواب جدا برای هر پسر یا دختر در

## خانواده است.

## منابع فارسی

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، ۱۳۷۳، تهران: دارالقرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نهج البلاغه، ترجمه محمدجعفر امامی، محمدرضا آشتیانی، ۱۳۷۵، قم: مدرسه امیرالمومنین(ع).
- الحر العاملی، محمد بن الحسن. ۱۳۹۱ق. وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، ج ۴، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق.
- بابا طاهر عریان. ۱۳۶۹، دوبیتی‌ها، تهران: باقرالعلوم.
- بارکر، فیلیپ. ۱۳۷۵، خانواده درمانی پایه، ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی، تهران: رشد.
- قائمی، علی. ۱۳۶۸، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۹۸۳، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۶۸، مسئله حجاب، تهران: صدرا.
- مینوچین، سالوادور. ۱۳۷۵، خانواده و خانواده درمانی، ترجمه باقر ثنایی، تهران: امیرکبیر.

## منابع انگلیسی

- Baron, R. and Byrne, D.(1997) Social Psychology. Massachusetts: Viacom
- Goldenberg, I. and Goldenberg, H. (1980) Family: An overview. California: Wadsworth, Inc, Belmont.
- Minuchin, S. and Fishmand, H.C (1981) Family Therapy Thechniques. Harvard College.
- Minuchin, S. (1974) Families and Family therapy. Cambridge: Harvard University Press.